

[استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد 1](#_Toc35160116)

[بررسی صحت استعمال لفظ مفرد در اکثر از معنای واحد از نظر لغوی 1](#_Toc35160117)

[بررسی استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد در تثنیه و جمع 2](#_Toc35160118)

[ادعای جواز و حقیقی بودن استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد از سوی صاحب معالم 3](#_Toc35160119)

[مناقشه مرحوم آقای خویی در کلام صاحب معالم 3](#_Toc35160120)

[بررسی کلام مرحوم آقای خویی 4](#_Toc35160121)

[الف: مناقشه شهید صدر در کلام مرحوم آقای خویی 4](#_Toc35160122)

[پاسخ از مناقشه شهید صدر در تبیین مرحوم آقای خویی از تثنیه 5](#_Toc35160123)

[ب: بررسی ادعای مرحوم آقای خویی مبنی بر محال بودن اراده دو فرد متفاوت از مفرد در تثنیه 5](#_Toc35160124)

[بررسی کلام شهید صدر مبنی بر تعدد تصور در موارد تثنیه و جمع 6](#_Toc35160125)

**موضوع**:  استعمال در اکثر از معنا در تثنیه و جمع / استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد /مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد قرار دارد که محل نزاع در آن تبیین شده و ادله قائلین به امتناع نیز مورد بررسی قرار گرفته است. برخی دیگر از فقهاء در عین قائل شدن به امکان استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد آن را صحیح ندانسته اند که این مطلب مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه استعمال لفظ در اکثر ازمعنای واحد در مورد تثنیه و جمع مورد بررسی قرار می گیرد.

# استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد

در مورد استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد بیان شد که مشهور از جمله صاحب کفایه، محقق نائینی و مرحوم بروجردی قائل به عدم امکان استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد شده اند، اما صحیح این است که استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد ممکن است.

## بررسی صحت استعمال لفظ مفرد در اکثر از معنای واحد از نظر لغوی

بعد از قائل شدن به امکان استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، بحث در جواز لغوی آن واقع شده است که برخی از معاصرین قائل به عدم جواز لغوی آن شده اند و این مطلب را مرحوم آقای خویی در صفحه 241 از جلد اول محاضرات فی اصول الفقه به صاحب معالم نسبت داده اند.

 اما آنچه در صفحه 39 از معالم وجود دارد این است که استعمال لفظ مفرد مانند «عین» در دو معنا یا بیشتر، مجازی است؛ چون لفظ برای معنای به شرط وحدتِ استعمال، وضع شده است؛ یعنی لفظ «عین» برای معنا طلا وضع شده است، اما به شرطی که در طلا و نقره استعمال نشود، بلکه صرفا در معنای طلا استعمال شود و در صورتی که لفظ «عین» در دو معنا استعمال شود، از قبیل استعمال لفظی مانند انسان خواهد بود که برای کل وضع شده است، اما در جزء مثل سر استعمال شود که این استعمال مجازی است.

البته صاحب کفایه در اشکال به صاحب معالم گفته است: اگر لفظ «عین» برای طلا به قید وحدت وضع شده باشد، استعمال لفظ «عین» در معنای طلا و نقره مجاز نخواهد شد بلکه غلط خواهد بود؛ چون لفظ «عین» برای معنای طلا به شرط عدم استعمال در معنای نقره وضع شده است که استعمال آن در معنای طلا به همراه نقره، مباین معنای موضوع له بوده و استعمال در جزء معنا نمی شود تا استعمال مجازی باشد.[[1]](#footnote-1)

به نظر ما پاسخ از کلام صاحب کفایه این است که در صحت استعمال، استحسان طبع کافی است کما اینکه خود ایشان این مطلب را بیان کرده اند و لذا با توجه به وجود استحسان طبع در استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، در صورتی که استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد امکان داشته باشد، استعمال غلط نخواهد بود.

خلاصه مختار ما این است که استعمال لفظ مفرد مانند «عین» در اکثر از معنای واحد مانند طلا و نقره به صورت استقلالی، از نظر عقلی ممکن بوده و از نظر لغوی نیز صحیح است و استعمال حقیقی هم خواهد بود. البته می پذیریم که استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد خلاف ظاهر است؛ چون عرفا ظاهر حال متکلم این است که لفظ واحد را در معنای واحد استعمال کند. در نتیجه مطلبی که در صفحه 63 نهایة الاصول نقل شده است که اگر استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد ممکن باشد، مقتضای أصالة العموم این است که از لفظ مشترک جمیع معنای او اراده شود الا اینکه قرینه ای بر اراده معنای خاص باشد، ناتمام خواهد بود؛ چون ما دائر مدار ظهور هستیم و لفظ مشترک ظاهر در استعمال در جمیع معانی نیست، بلکه ظاهر آن استعمال در یک معنا است.

## بررسی استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد در تثنیه و جمع

تاکنون بحث در مورد استعمال لفظ مفرد در اکثر از معنای واحد بوده است. یکی دیگر از مباحث استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد مربوط به تثنیه یا جمع است.

### ادعای جواز و حقیقی بودن استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد از سوی صاحب معالم

کسانی مانند صاحب معالم که طبق آنچه در محاضرات به ایشان نسبت داده شده است، استعمال لفظ مفرد در اکثر از معنای واحد را از نظر لغوی صحیح نمی دانند و یا اینکه طبق مطالب صفحه 39 مجاز دانسته اند، در مورد تثینه و جمع بیان کرده اند که استعمال در اکثر از معنای واحد از نظر لغوی جایز بوده و استعمال حقیقی هم محسوب می شود؛ چون اگر لفظ تثنیه در اکثر از معنای واحد استعمال شود، قید وحدت مختل نمی شود.

توضیح مطلب اینکه به عنوان مثال در صورتی که مولی تعبیر «جئنی بعینین» به کار برده باشد، گویا تعبیر او به صورت «جئنی بعین و عین» بوده است که از عین اول اراده طلا به تنهایی کرده و از عین دوم اراده نقره به تنهایی کرده است. در نتیجه مشکلی رخ نخواهد داد.

#### مناقشه مرحوم آقای خویی در کلام صاحب معالم

برخی مانند مرحوم آقای خویی در اشکال به صاحب معالم فرموده اند: در مورد «جئنی بعینین» دو صورت متصور است:

1. صورت اول این است که از «عین» که مفرد تعبیر «عینین» است، طلا و نقره به صورت استقلالی اراده شده است که بعد از استعمال لفظ مفرد در دو معنا، تثنیه صورت گرفته است. در این صورت تثنیه به صورت «جئنی بفردین من الذهب و فردین من الفضة» خواهد شد؛ چون مفردی که دو معنا داشته است، تثنیه بسته شده و نتیجه آن این است که باید از هر یک از معانی، دو فرد آورده شود.

طبق این احتمال خلاف ظاهر بودن استعمال، ناشی از استعمال لفظ «عین» در دو معنا است، اما هیئت تثنیه در همان معنای خود استعمال شده است؛ چون تثنیه برای بیان تعدد افرادِ معنای مفرد وضع شده است که اگر معنای مفرد دو معنا باشد، تعدد آن به معنای دو فرد از هر یک از معانی خواهد شد. مشابه این مثال انجام تثنیه در مورد لفظ «عشره» است که بعد از تثنیه به صورت «عشرتین» بیان می شود. وقتی عشره، ده عدد باشد، با تثنیه بسته شدن، تبدیل به بیست می شود.

1. صورت دوم این است که مراد از «جئنی بعینین» به صورت «جئنی بذهب و فضة» باشد.

اساسا این معنا غیرمعقول است؛ چون تثنیه برای افاده این معنا وضع شده است که معنای مفرد دارای دو فرد است و در نتیجه «عینین» به معنای دو فرد از معنای مفرد است که اگر معنای مفرد طلا باشد، تثنیه به معنای دو فرد از آن معنا خواهد بود الا اینکه لفظ «عین» در «جئنی بعینین» در معنای طلا یا نقره استعمال نشده باشد بلکه استعمال مجازی در «المسمی بالعین» شده باشد که تثنیه آن به معنای امر به آوردن دو فرد از مسمای عین خواهد شد و از باب تطبیق جامع بر فرد، تطبیق بر طلا و نقره می شود کما اینکه وقتی علَم تثنیه بسته شده و تعبیر «جائنی زیدان» به کار برده می شود، باید این گونه توجیه شود که «زید» استعمال در مسمای زید شده است؛ چون اگرچه زید علَم برای فرزند عمرو و بکر است، اما وقتی تعبیر «جائنی زیدان» به کار برده می شود، لفظ زید در معنای دیگری که «المسمی بزید» است استعمال شده است که تثنیه آن به معنای «جائنی فردان من المسمی بلفظ زید» خواهد شد.

بنابراین اینکه صاحب معالم بین استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد بین مفرد و تثنیه و جمع تفصیل داده و استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد را در تثنیه و جمع جایز و استعمال حقیقی دانسته است، وجهی نخواهد داشت.

تاکنون محصل کلام مرحوم آقای خویی در اشکال به کلام صاحب معالم بیان شده است.[[2]](#footnote-2)

##### بررسی کلام مرحوم آقای خویی

در بررسی کلام مرحوم آقای خویی در اشکال به صاحب معالم مطالبی وجود دارد که ذکر آنها لازم است:

###### الف: مناقشه شهید صدر در کلام مرحوم آقای خویی

مطلب اول این است که شهید صدر در کتاب بحوث به این بخش از کلام مرحوم آقای خویی که فرموده اند: در صورتی که لفظ مفرد در «جئنی بعینین» در دو معنا به کار برده شده و دو معنای طلا و نقره مقصود باشد، تثنیه آن دو فرد از طلا و دو فرد از نقره خواهد شد و صرفا مستلزم خلاف ظاهر در مفرد است، اما هیئت تثنیه در معنای خود استعمال شده و خلاف ظاهری در آن رخ نداده است، اشکال کرده اند.

اشکال شهید صدر این است که هیئت تثنیه برای افاده تکرر مدلول واحد از مفرد وضع شده است و لذا اگر مفرد در دو معنا استعمال شود و در ادامه تثنیه بسته شود، بر خلاف وضع هیئت تثنیه عمل شده است.

نکته دیگر در کلام مرحوم آقای خویی این است که ایشان به عنوان مثال برای کلام خود به تثنیه بستن «عشره» اشاره کردند که نتیجه آن این است که «عشرتین» به معنای بیست خواهد شد. شهید صدر در اشکال به این بخش از کلام مرحوم آقای خویی فرموده اند: قیاس محل بحث با «عشره» قیاس مع الفارق است؛ چون ده واحد اعتباری است و در نتیجه مدلول «عشره» یک چیز است، اما وقتی «جئنی بعینین» به کار برده شده و لفظ «عین» در طلا و نقره به صورت استقلالی استعمال شده باشد، دو مدلول خواهد داشت و هیئت تثنیه برای افاده تکرار دو مدلول لفظ مفرد وضع نشده است.

البته ایشان فرموده اند: در صورتی که لفظ «عین» در «جئنی بعینین» در معنای واحد که مرکب از طلا و نقره است، استعمال شده باشد، مدلول واحد خواهد داشت که در این صورت تثنیه شدن لفظ عین با این معنا، دو فرد از معنای مرکب از طلا و نقره شده و هیئت تثنیه در معنای موضوع له خود استعمال خواهد شد.[[3]](#footnote-3)

پاسخ از مناقشه شهید صدر در تبیین مرحوم آقای خویی از تثنیه

به نظر ما اشکال شهید صدر بر کلام مرحوم آقای خویی وارد نیست؛ چون ادعای اینکه هیئت تثنیه برای افاده تکرار مدلول واحد مفرد وضع شده است، وجهی ندارد. ظاهر این است که تثنیه همانند این است که مولی ابتداء تعبیر «جئنی بالعین» به کار برده و لفظ عین را در معنای طلا و نقره به صورت استقلالی به کار برده باشد و در ادامه تعبیر «یجب أن تأتی بفردین مما قلت» به کار ببرد که در این صورت معنای «یجب أن تأتی بفردین مما قلت» به این صورت خواهد شد که لازم است دو فرد از طلا و دو فرد از نقره آورده شود. در این صورت جمله دوم خلاف ظاهر نبوده و بر خلاف موضوع له خود به کار نرفته است، بلکه صرفا در جمله اول که عین در دو معنا استعمال شده است، خلاف ظاهر رخ داده است؛ لذا اگر با قرینه استعمال شده باشد، مثل اینکه تعبیر «جئنی بالعین و أقصد من العین کلّا من الذهب و الفضه» به کار برده شده و در جمله دوم تعبیر «یجب أن تأتی بفردین مما قلت» به کار برده شود، در جمله دوم استعمال خلاف ظاهر رخ نداده است.

بنابراین از نظر عرفی تثنیه در قوه همان جمله دوم است و لذا این بخش از کلام مرحوم آقای خویی که اگر «عین» در «جئنی بالعین» استعمال در اکثر از معنای واحد شده و بعد تثنیه بسته شود، به معنای دو فرد از طلا و دو فرد از نقره است و در تثنیه خلاف ظاهر رخ نداده است، کلام متینی است.

###### ب: بررسی ادعای مرحوم آقای خویی مبنی بر محال بودن اراده دو فرد متفاوت از مفرد در تثنیه

مطلب دوم این است که مرحوم آقای خویی فرمودند: در صورتی که متکلم تعبیر «جئنی بعینین» به کار برده و مراد او «جئنی بذهب و فضة» باشد، غیر معقول خواهد بود؛ چون تثنیه برای افاده تکرر معنای مفرد وضع شده است و نمی تواند دو معنای مختلف از مفرد را بیان کند.

به نظر ما این کلام مرحوم آقای خویی ناتمام است؛ چون قوی ترین شاهد برای اینکه هیئت تثنیه برای خصوص افاده تعدد معنای واحد از لفظ مفرد وضع نشده است، تثنیه اسماء علَم مانند «جائنی زیدان» است که وقتی تثنیه اسم علَم به کار برده می شود، همه متوجه می شوند که مقصود آمدن دو علی متفاوت است.

اما اینکه مرحوم آقای خویی تعبیر «جائنی زیدان» را به صورت «جائنی مسمّیان بزید» توجیه کرده است، خلاف ظاهر عرفی است؛ چون «زیدان» معرفه است، در حالی که «مسمیان بزید» نکره است که به همین جهت تبدیل معرفه به نکره خلاف ظاهر خواهد بود و این مخالفت با ظاهر حتی در صورتی که «جائنی زیدان» به صورت «جائنی المسمیان بزید» به کار برده شود که مسمی دارای الف و لام باشد، وجود خواهد داشت؛ چون در این فرض نیز معنای علَمیت سلب شده است که این مخالفت با ظاهر که مرحوم آقای خویی مرتکب شده است، در زبان فارسی نیز قابل بیان است.

بنابراین هیئت تثنیه در قوه تکرار لفظ مفرد بماله من المعنی است؛ یعنی به جایگزین اینکه از تعبیر «جائنی زید و زید» استفاده شود، از تعبیر «جائنی زیدان» استفاده می شود. البته می پذیریم که تثنیه در قوه تکرار لفظ مفرد بدون توجه به معنا نیست و لذا استفاده از تعبیر «أکتب زیدین» و اراده اینکه «زید و زید» نوشته شود، غلط است؛ چون تثنیه در قوه تکرار لفظ مفرد بماله من المعنی است که «جائنی زیدان»، در قوه «جائنی زید و زید» خواهد بود. البته در مثال «جائنی زیدان» با توجه به اینکه موضوع له جزئی است و دو فرد از یک معنا نمی تواند اراده شده باشد، منحصر در تکرار ذات معنا است، اما در تثنیه اسم جنس مانند «عین» صلاحیت وجود دارد که مقصود از آن تکرر دو فرد از یک معنا یا تکرر ذات معنا باشد که طبق فرض اول به صورت «جئنی بذهب و ذهب» خواهد شد و طبق فرض دوم به صورت «جئنی بعین و عین» خواهد شد که عین اول یک معنا داشته و عین دوم معنای دیگر داشته باشد. در نتیجه چون تثنیه در قوه تکرار لفظ مفرد بماله من المعنی است که می تواند دو فرد از یک معنا یا دو معنا باشد، در «جائنی زیدان» دو معنا خواهد شد؛ چون جزئی است و دو فرد از یک معنا تصویر نمی شود، اما «جئنی بعینین» می تواند مقصود دو فرد از یک معنا باشد که ظاهر حال متکلم هم همین فرض است که متکلم تعدد افراد واحد را اراده می کند الا اینکه قرینه ای بر اراده تعدد معانی باشد کما اینکه در تثنیه علَم این قرینه وجود دارد.

بنابراین به نظر ما استعمال لفظ تثنیه در دو معنا که «جئنی بعینین» به معنای «جئنی بذهب و فضة» ممکن و صحیح است. البته خلاف ظاهر بودن مورد پذیرش ما قرار دارد کما اینکه استعمال لفظ مفرد در اکثر از معنای واحد خلاف ظاهر است.

###### بررسی کلام شهید صدر مبنی بر تعدد تصور در موارد تثنیه و جمع

در پایان به این مطلب اشاره می کنیم که شهید صدر در بحوث فرموده اند: هیئت تثنیه برای افاده تکرر لفظ مفرد وضع شده است؛ یعنی جایگزین اینکه از تعبیر «عین و عین» استفاده شود، از تعبیر «عینین» استفاده کرده و مقصود او این است که مخاطب لفظ «عین» را دو مرتبه تصور کند، اما قصد او افهام معنای عین است.

به نظر ما این کلام شهید صدر صحیح نیست؛ چون اگرچه غرض از وضع تثنیه، بی نیاز کردن از تکرار لفظ مفرد است، اما اینکه هیئت تثنیه مانند «عینین» منشأ شود که مخاطب دو مرتبه لفظ عین را تصور کند، صحیح نیست؛ چون پاسخ نقضی این مطلب به موارد جمع به صورت «أکرم العلماء» است که مخاطب لفظ عالم را موارد متعدد تصور نمی کند و اساسا تعدد تصور خلاف وجدان است.

پاسخ حلّی هم این است که در تثنیه وقتی تعبیر «جائنی زیدان» به کار برده می شود، لفظ زید دو مرتبه تصور نمی شود بلکه صرفا همان دو فرد که نام او زید است تصور می شود؛ یعنی مستقیم از «زیدان»، آن دو فرد به ذهن خطور می کند و این گونه نیست که دو مرتبه لفظ زید در ذهن خطور کند.

بنابراین خلاصه کلام ما این است که هیئت تثنیه برای افاده تکرر طبیعی معنای مفرد اعم از تکرر دو فرد از یک معنا یا تکرر ذات معنا که عملا دو معنا می شود، وضع شده است.

1. . [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص37.](http://lib.eshia.ir/27004/1/37/%D9%81%D8%A7%D9%86%D9%82%D8%AF%D8%AD%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [محاضرات فی اصول الفقه، سید ابوالقاسم خویی، ج1، ص241.](http://lib.eshia.ir/27874/1/241/%D9%88%D9%87%D8%B0%D8%A7) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج1، ص156.](http://lib.eshia.ir/13064/1/156/%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%AD%D9%82%DB%8C%D9%82%20) [↑](#footnote-ref-3)